

## زندگی ایران

تکمیلی

## خاطره تلخ مرگ بوداهای غول پیکر

پنجشنبه و جمعه، دو روز از زیباترین روزهای هفته برای مسلمانان در تقویم میراث افغانستان به حکایتی تلخ و سیاه گره خورده است. پنجشنبه و جمعه هجدهمین و نوزدهمین روزهای اسفند ۱۳۷۹؛ مصادف با ۹ و ۱۰ مارس ۲۰۰۱ میلادی.

پنجشنبه سر یکی از مجسمه‌های بودا در بامیان ویران شد و جمعه، باقیمانده آن پیکر غول‌آسای ۵۳متری، یعنی ویران که نشد، طالبان با جاسازی دینامیت و انباری از باروت متلاشی‌اش کرد؛ تندپسی که یکی از دو مجسمه بزرگ بودا در جهان به شمار می‌آمد. اول صلصال فروپاشید؛ اولین بت و بودای بزرگ ۵۳ متری. بعد هم شهنامه، بودای ۲۵ متری.

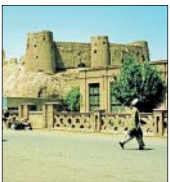
اولی به معنای گل خشکیده و بت دوم به معنای شهبانو؛ شاید برگرفته از آدم و هوا، کسی چه می‌داند! هرچه بود حالا دیگر هیچ کدام‌شان نیستند و از آنها فقط یک جای خالی باقی‌مانده است. یک حفره بزرگ که دیگر نمی‌تواند مثل گذشته گردشگران را از سراسر جهان به‌سوی خود بکشانند اما هاله‌ای از اندوه از حکایت تخریب و ویرانگری افراطیون متعصب در فضای اطراف خود ایجاد کرده است.

مجسمه‌های بودا در دل کوه‌های ولایت بامیان، درست در مرکز افغانستان سر به آسمان ساییده و با کنده‌کاری در دل کوه، سروشکل گرفته بودند. شهنامه در سال ۵۰۷ میلادی جان گرفته بود و صلصال در سال ۵۵۴ میلادی، با دستان هنرمندی که از معماری یونان و بودا الهام گرفته بود و آن زمان در مناطق آسیای مرکزی به‌ویژه افغانستان رواج داشت. هر دو اما در کمتر از دو روز از پای در آمدند به‌ضرب آتش باروت و توپ به دست طالبان و فتوای ملامحمد عمر.



۱۱مارس ۲۰۰۱ جای بت‌های بزرگ و کوچک فقط دو حفره باقی‌مانده بود؛ بت‌هایی که بلندترین مجسمه‌های سنگی در جهان و یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های تاریخی و گردشگری افغانستان و جهان به شمار می‌رفتند. یونسکو که با شنیدن حکم تخریب تلاش زیادی برای ممانعت از این کار یا خارج کردن آنها از افغانستان کرده و ناکام مانده بود، پس از تخریب تندپس‌ها اقدام طالبان را «دهشت افکنی فرهنگی» نامید. حال آن‌که ملاعمر گفته بود اگر تخریب نکنیم روز قیامت مورد پرسش قرار خواهیم گرفت.

حالا هرساله مراسمی به مناسبت سالروز تخریب بودا با نورپردازی در دل همان کوه و آن دو حفره بزرگ خالی گرفته می‌شود. در سال ۲۰۰۳ یعنی دو سال پس از تخریب بوداها، چشم‌انداز فرهنگی و آثار باستانی دره بامیان به دلیل شکنندگی فوق‌العاده طاقچه‌ها و دغدغه‌های ایمنی و امنیتی، همزمان در فهرست میراث جهانی و فهرست میراث جهانی در خطر ثبت شد و بیش از ۲۷میلیون دلار برای حفاظت و تثبیت اموال میراث جهانی بامیان، توانمندسازی جوامع محلی، احیای میراث ناملموس فرهنگی و احداث مرکز فرهنگی بامیان اختصاص داده شد. کشورهای مختلف هم از طریق پروژه‌های عملیاتی، به‌ویژه پروژه تثبیت طاقچه‌هایی که در خطر فروپاشی بودند تا همین اواخر درگیر تلاش‌های حفاظتی از این آثار بودند. اکنون در حالی که ۲۰ سال از تخریب بامیان می‌گذرد، تسخیر دوباره افغانستان به دست طالبان هراس در دل میراث‌دوستان جهان افکنده که مبادا باقیمانده سایت‌های تاریخی و فرهنگی ارزشمند افغانستان مورد بی‌مهری گروه متعصب طالبان قرار گیرد، به‌ویژه آن‌که طی سال‌های گذشته تخریب‌های گسترده‌ای را در حوزه میراث فرهنگی کشورهای سوریه، عراق، لیبی و مالی توسط گروه‌های داعش و اسلام‌گرای متحجر شاهد بوده‌ایم.



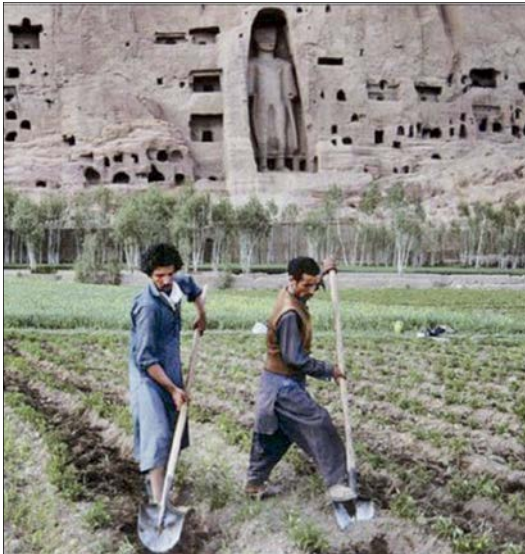
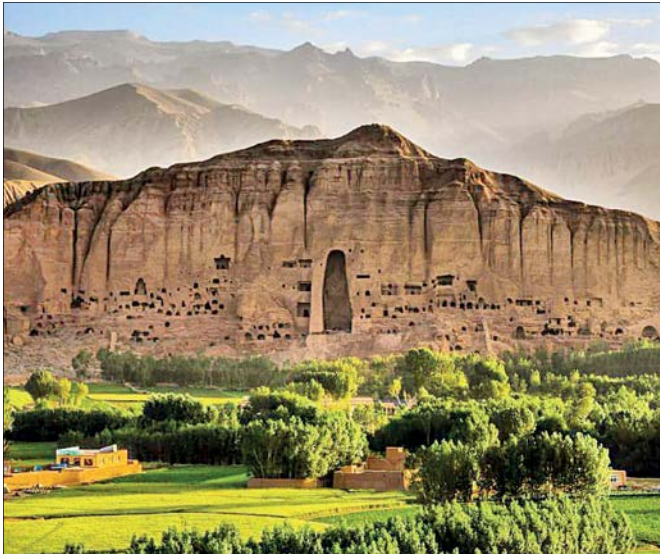
دره بامیان و محل جانمایی مجسمه‌های بودا قبل و بعد از تخریب



دره بامیان و محل جانمایی مجسمه‌های بودا قبل و بعد از تخریب

### هشدارهای بین‌المللی به طالبان

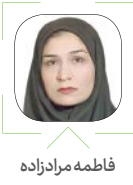
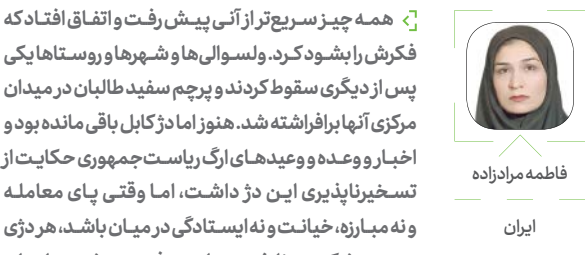
گرچه طالبان از اسفند سال‌گذشته که داشت دوباره کم‌کم در افغانستان پا می‌گرفت در یک موضعگیری بی‌سابقه از تمام جنگجویان خود خواست تا آثار تاریخی افغانستان را تخریب نکنند و از آن محافظت کنند اما این همه تأکید نتوانست آرامش خاطر اهالی جهانی میراث‌فرهنگی را به همراه بیاورد. همین شده‌که آدری



# میراث افغانستان و یک جهان نگرانی

### تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، دستداران میراث فرهنگی در سراسر جهان را

### نگران کرده‌که مبادا تاریخ تخریب‌های میراثی در این سرزمین باستانی دوباره تکرار شود



ایران



اگرچه سازمان جهانی یونسکو میراث فرهنگی را جنایت جنگی اعلام کرده

و طی روزهای

گذشته نیز به

طالبان بابت

تخریب این آثار

هشدار داده و

طالبان نیز خود

اعلام کرده محافظ

این ثار خواهد

بود اما نگرانی‌ها

بابت نابودی

میراث فرهنگی و

هنر افغانستان

همچنان

پابرجاست

آنها که اهل فضای مجازی هستند و شبانه‌روز در حال گشت زدن در این فضا و البته دلی هم به اخبار هنری و فرهنگی سپرده‌اند، احتمالاً یادشان هست اولین نگرانی‌ها را تهدید و تخریب و دستبرد میراث افغانستان همزمان با پیشرفت برق‌آسای طالبان در تصرف ولایات برمی‌گشتد به یک عکس‌خبر که کلی طلا و جواهر با اشکال زیبا را نشان می‌داد و روی آن نوشته شده بود: گنجینه باختر افغانستان کجاست؟ و بعد هم چند استوری و خبر دیگر که به گنج دوزهار

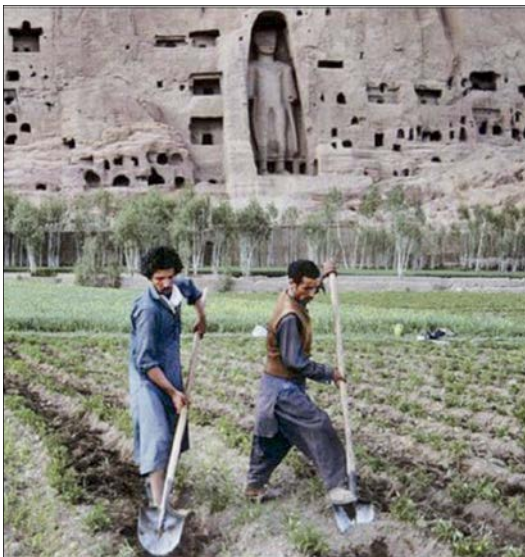
ساله افغانستانی‌ها(یکی از مهم‌ترین گنج‌های باستانی جهان) اشاره داشت و بیان این نگرانی که طالبان احتمالاً سرسختانه‌تر از قبل به دنبال این گنج است وای کاش اشرف غنی، چاره‌ای برای پنهان کردن آن اندیشیده باشد، آنچنان که نجیب... از آن محافظت کرد و حتی زیر شکنجه طالبان در دوره قبل، حاضر به افشای محل گنجینه باختر نشدو سرش روی داررفت.

چاره اندیشی اشرف غنی اما تنها معطوف به چگونگی گریز از ارگ

ریاست‌جمهوری افغانستان شد و تا

آزولای، مدیرکل یونسکو، ۳۰مرداد امسال در بیانیه‌ای خواستار «حفظ میراث فرهنگی افغانستان با رعایت کامل قوانین بین‌المللی و اتخاذ تمام اقدامات احتیاطی لازم برای حفظ و حفاظت از میراث فرهنگی در برابر آسیب و غارت» شد. شورای بین‌المللی موزه‌ها موسوم به ایکوم هم با انتشار بیانیه‌ای درباره وضعیت آثار فرهنگی و حفاظت

دره بامیان و محل جانمایی مجسمه‌های بودا قبل و بعد از تخریب



دره بامیان و محل جانمایی مجسمه‌های بودا قبل و بعد از تخریب

# میراث افغانستان و یک جهان نگرانی

### تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، دستداران میراث فرهنگی در سراسر جهان را

### نگران کرده‌که مبادا تاریخ تخریب‌های میراثی در این سرزمین باستانی دوباره تکرار شود

دوباره یادشان آورد؛ تخریب و غارت گسترده‌ای که حکمرانی پیشین طالبان در حدود۲۰سال پیش برای افغانستان به ارمغان آورد. این نگرانی نه تنها به دل میراث دوستان واهل هنر افغانستانی و ایرانی رخنه کرد، بلکه خواب سازمان‌های مرجع میراث جهانی همچون یونسکورا هم آشفته ساخت، تا حدی که این سازمان در۴مرداد در اولین ابلاغیه خود از زمان تصرف افغانستان توسط طالبان، خواستار حفاظت از میراث فرهنگی و باستانی در این کشور شد.

شورای بین‌المللی موزه‌ها موسوم به ایکوم نیز همزمان با انتشار بیانیه‌ای درباره وضعیت آثار فرهنگی و حفاظت آنها در افغانستان هشدار داد و از تهدیدهای جانی برای افرادی که زندگی‌شان را وقف حفاظت از این میراث کرده‌اند، ابزار نگرانی کرد.

ناگفته‌نماند همه این دل‌نگرانی‌ها، ابلاغیه‌ها و هشدارها درحالی صورت می‌گرفت که رهبران طالبان اواخر سال گذشته (فوریه سال جاری میلادی)، دستور حفاظت از آثار تاریخی و موحوطه‌های باستانی و عدم تخریب آنها را صادر و فروش اموال تاریخی این کشور را برای نیروهای خود ممنوع اعلام کرده بودند، اما مگر می‌شود به این طالبان جدید اعتماد کرد؟ مگر سایه تردید و دودلی نسبت به تغییر بنیادین طالبانی که سابقه خوبی در این خصوص نداشته‌اند، دست از سر دل‌های نگران بر می‌دارد؟

همین لحظه هیچ خبری از نوع حفاظت از بزرگ‌ترین گنجینه باستان جهان و این‌که در حکومت طالبان چه بر سر آن خواهد آمد، نیست؛ همین قدر می‌دانیم که این گنجینه تا

پیش از سقوط کابل در بانک مرکزی افغانستان نگهداری می‌شده است. طالبان البته تاکنون چند بار پیغام داده که دیگر آن طالبان پیشین نیست و خودش حافظ میراث فرهنگی و باستانی مردم این دیار خواهد بود. این پیغام‌ها، بیانیه‌ها و وعده‌ها اما هنوز نتوانسته ذره‌ای از

همین لحظه هیچ خبری از نوع حفاظت از بزرگ‌ترین گنجینه باستان جهان و این‌که در حکومت طالبان چه بر سر آن خواهد آمد، نیست؛ همین قدر می‌دانیم که این گنجینه تا



سال ۱۳۵۷ وقتی‌که سریانیدی بالای تپه‌ای در شهر شیرغان، مرکز ولایت جوزجان در شمال افغانستان، هم‌مرز با ترکمنستان

ایستاده بود، اندیشه‌ای در ذهنش چرخید و در نهایت به کشف بزرگ‌ترین گنجینه طلا و افسانه‌ای جهان پس از ۲۰۰۰ سال ناپیدایی منجر شد. جرقه‌ای که در ذهن سریانیدی روشن شد این بود که در کنار معبد ۳۰۰۰ ساله‌ای که در کنار تپه طلا قرار دارد، باید گورهایی از شاهان و شاهزادگان قرار داشته باشد.

از دل خاک بیرون بکشند. کمی بعد گورها و تابوت‌ها با تحفه‌های شگفت‌انگیز طلایی شاهان و شاهزادگان که یکجا دفن شده بود، یکی پس از دیگری از دل خاک بیرون آمد؛ گنجینه‌ای از دوران شاهنشاهی بزرگ کوشانیان در تمدن یونان که اسکندر مقدونی در سال ۳۲۷ پیش از میلاد آن را بنانهاده بود. قصه جمع‌آوری این گنجینه طلایی بزرگ در دوران کوشانیان هم حکایتی است مضمحل و جالب که اینک مجال بازگویی آن نیست.

در سال ۱۳۵۷ یعنی زمانی‌که گنجینه کشف شد، افغانستان در یک حالت جنگی و بسیار بحرانی مانند امروز قرار داشت، به حدی که کار باستان‌شناسان ناتمام ماند و بقیه گورها به تاراج رفت و کاوش‌های

آنها در افغانستان هشدار داد و گفت که رویدادها در افغانستان را در کنار جامعه بین‌المللی پیگیری می‌کند. در همین حال موزه ملی افغانستان که در دوره گذشته حکمرانی طالبان مورد دستبرد عظیم و تخریب قرار گرفته بود از ایمنی اشیای تاریخی خود ابراز نگرانی کرده و خواستار حفاظت از آنها در برابر غارت و قاچاق شده است.

دره بامیان و محل جانمایی مجسمه‌های بودا قبل و بعد از تخریب

در هرات عزاداری و حتی از مراسم تعزیه آنها محافظت کردند و نشان به آن نشان که تا این لحظه هنوز خبری از تخریب و نابودی و غارت آثار و اموال تاریخی به گوش نرسیده است و باز نشان به آن نشان که این قوم گریزان از ترانه و آواز و موسیقی به‌تازگی از سرود ملی خود رونمایی کرده‌اند. با این حساب چرا هنوز مردمک چشم‌ها مضطرب توی حذقه‌ها دودو می‌زنند و با نگرانی این سو و آن سوی سرزمین افغانستان را می‌کاوند و مترصدند مبادا تصویری تلخ ببیند یا خبری سخت بشوند؟ اصلاً چرا این طالبان به دل بسیاری هنوز ننشسته و قول و وعده‌شان دل‌ها را آرام نکرده‌است؟

پاسخ این پرسش در چیستی و ماهیت طالبان است و این‌که هنوز روشن نیست این طالبان که اکنون بر ۳۲ ولسوالی از ۳۴ ولسوالی افغانستان سیطره پیدا کرده، همانی است که در سال‌ها ۱۳۹۶ تا ۲۰۰۱ بر سه چهارم افغانستان مسلط شد و کلی قوانین و محدودیت‌های جاهلانه، رعب و وحشت، جنازه، غارت و تخریب روی دست این سرزمین باقی گذاشت یا طالبانی که امروز مدعی می‌شود تغییر ماهیت داده و از گذشته عبرت گرفته است. برخی کارشناسان غرب افغانستان از جمله محمدحسین جعفریان می‌گویند طالبان حتی اگر تغییر مثبتی هم کرده باشد، برخلاف گذشته، طالبان یکدستی نیست و از طیف‌های مختلفی تشکیل شده که بخش‌هایی از آن داعش هستند با آن پرچم‌های سیاه و دل‌های سیاه‌تر، که از کشورهای دیگر به افغانستان آمده و فعلاً آرام و بی‌صدا زیر پرچم سفید طالبان جان می‌گیرند و نیرو جمع می‌کنند و هویتشان را پنهان می‌کنند تا مبادا دنیا علیه آنها موضع بگیرد. این ادعای جعفریان بیزیرا هم نیست، چه این‌که طی روزهای گذشته در بخش‌هایی از افغانستان همچون بدخشان و ننگرهار که در شمال شرقی و شرق افغانستان و هم مرز پاکستان هستند، گروه طالب نمای داعشی مسلک دست به اقداماتی همچون ربودن زنان و دختران و جهاد نکاح زده که پیش از این فقط مصداقش را در داعشی‌های سوریه و عراق دیده و شنیده بودیم. درمقابل در ولایاتی چون هرات در غرب افغانستان و هم مرز با ایران هم

شکی نیست اگر بخت با مردم افغانستان و همسایگان این کشور همراه شود و جناح میانه و حکومت را در دست بگیرد و تکلیف خود را با داعش هم روشن کند، با توجه به کنار گذاشتن افراطیت سابق خود، با پذیرش کشورهای بیشتری نسبت به گذشته مواجه شده و بیش از گذشته به رسمیت شناخته شود. در چنین شرایطی به احتمال زیاد همان‌طور که تعامل و شیوه حرف زدن با دنیا را یاد گرفته‌اند، به قوانین جهانی از جمله قوانین میراثی یونسکو هم احترام گذاشته و از آن تبعیت کنند؛ قوانینی که مهم‌ترینش در سال ۲۰۱۲ و پس از تخریب گسترده میراث جهانی در افغانستان و چند کشور دیگر تدوین شد و تخریب عمدی میراث فرهنگی را جنایت جنگی می‌داند و در صورت بروز برای آن دادگاه کیفری بین‌المللی تشکیل می‌دهد.

تازه این زمان است که اهالی فرهنگ و هنر می‌توانند نفس راحتی بکشند اما تا آن زمان خیال‌ها ناآسوده و دل‌ها نگران و چشم‌ها مضطرب است. همین است که سازمان‌های جهانی این روزها پشت به بیانیه می‌دهند و از طالبان گاه با خواهش و گاه با تهدید می‌خواهند دست از پا خطا نکرده، به میراث ملی و باستانی افغانستان تعرض نکنند. ]

# حکایت راز آلود بزرگ‌ترین گنجینه افسانه‌ای جهان

غیرحرفه‌ای، تپه طلا را ویران کرد و امروز هم این تپه باستانی پررمزوراز با تهدیدهای متعددی روبه‌روست.

اوضاع آشفته افغانستان در آن سال‌ها باعث شد دکتر نجیب...، رئیس‌جمهور وقت برای حفاظت از این سرمایه ملی که به موزه منتقل شده بود، چاره‌اندیشی کرده و آن را در بانک مرکزی افغانستان قرار دهد؛ سه طبقه زیرزمین، در یک اتاقک و در گاو صندوقی بزرگ با هفت قفل و کلید که بدون این هفت کلید امکان باز شدن آن وجود نداشت و هر کلید به کسی سپرده شد.

طالبان در دوره قبلی تسلط بر افغانستان تلاش زیادی کرد تا به این گنج برسد اما نشد

و نتوانست. دکتر نجیب... توسط طالبان به دار آویخته شد و گنج دوباره در دل تاریخ گم شد تا سال ۲۰۰۳ که حامد کرزای و اشرف غنی، وزیر مالیه وقت به خزانه بانک مرکزی رفتند و با کمک کشور آلمان که گاو صندوق را ساخته بود، آن را باز کرده و دوباره به گنج افسانه‌ای نیاکان خود رسیدند.

گنجینه‌ای که دکتر نجیب... حاضر به حراج و سپردنش به طالبان نشد تا به آیندگان و مردمش برسد و گفته می‌شود از گنج توت عنخ‌آمون، مشهورترین فرعون مصر کمتر نیست، امروز دوباره در معرض تهدید و دستبرد فرقه‌ای از طالبان بداندیش، شما بخوانید داعشی‌های پرچم سیاه. قرار گرفته و مثل یک نگرانی بزرگ روی سر افغانستان سایه انداخته است.